

# دختر باد

## آشنایی با فرزانه فصیحی سریع‌ترین دختر ایران

«من در یک خانواده کاملاً ورزشی متولد شدم. پدرم والیبالیست، و برادرم هم در شنا و شیرجه صاحب عنوان‌های قهرمانی شده بود. در مجموع خانواده و فامیلی داشتیم که ورزش در خونشان بود. حتی عمه‌ها، خاله‌ها و عمویم نیز ورزشی بودند.»

### سریع‌ترین دختر ایران

این‌ها صحبت‌های فرزانه فصیحی سریع‌ترین دختر دوندۀ ایران به «رشد جوان» است. هر جا عبارت «سریع‌ترین مرد یا سریع‌ترین زن» را شنیدید، باید به یاد دوی ۱۰۰ متر سرعت بیفتید. مثلاً وقتی از اوسین بولت جامائیکایی به‌عنوان سریع‌ترین مرد دنیا نام برده می‌شود، به این معناست که او با زمان ۹ ثانیه و ۵۸ صدم ثانیه در دوی صد متر، بهترین رکورد را بین تمامی دوندگان دنیا دارد. رکوردهای فرزانه فصیحی هم تاکنون توسط هیچ‌یک از دوندگان دختر ایرانی تکرار نشده است.

### رقابت با صدم‌های ثانیه

یکی از مسائلی که خیلی از مردم با دیدن دوومیدانی تصور می‌کنند، این است که کار دونده‌های سرعت خیلی راحت‌تر است و با تمرین کمتری می‌توان در آن موفق شد. به هر حال دوییدن در مسافت ۱۰۰ متر بسیار راحت‌تر از مسافت‌های ۱۰ کیلومتر استقامت یا ۴۲ کیلومتر «ماراتن» است؛ اما توضیحات فصیحی نشان می‌دهد که شرایط به این شکل نیست:

«شرکت در دوی سرعت، جنگیدن با صدم‌های ثانیه است. مثلاً برای شرکت در مسابقه‌های سالنی قهرمانی جهان، دختران باید در مسابقه ۶۰ متر (که فقط در سالن برگزار می‌شود)، به رکورد ۷/۳۰ ثانیه دست پیدا می‌کردند؛ اما رکورد من ۷/۳۵ ثانیه بود. این مقدار کم در تمرین‌ها مشخص نمی‌شود، اما در رقابت‌های رسمی که از زمان سنج‌های دقیق الکترونیکی استفاده می‌شود، به شکلی دقیق ثبت می‌شود. به این ترتیب دونده شانس حضور در رقابت‌ها را از دست می‌دهد.»

### کودک ژیمناست

اما فصیحی چگونه وارد دوومیدانی شد؟ شاید خیلی‌ها فکر کنند او از کودکی در حال دوییدن بوده است و سرعتش هم به مراتب بیشتر از هم‌سن و سالانش. خود فرزانه می‌گوید: «از همان ابتدای کودکی آدم آرامی نبودم و در حقیقت بچه‌بازیگوشی بودم. البته با ورزش، انرژی زیادی را که داشتم تخلیه می‌کردم. ورزش را با ژیمناستیک شروع کردم. در آن زمان ۶-۷ ساله بودم. پس از آن، رشته دوومیدانی را به شکلی جدی ادامه دادم و حتی یک بار در مسابقه‌های کشوری عنوان سوم را از آن خودم کردم.»

### مسابقه‌های مدرسه‌ای و دستور معلم فرزانه

سرانجام فصیحی با اصرار معلم خود آماده شرکت در مسابقه‌های دوومیدانی مدرسه‌ها شد. هنوز کم سن و سال بود و چیزی از این رشته نمی‌دانست؛ اما معلم ورزش او اصرار کرد که او در این مسابقه شرکت کند و با تمام قدرت از ابتدا تا انتها بدود. فرزانه ابتدا مخالف بود و حتی گفت که نفس کافی برای این کار ندارد؛ اما معلم ورزش متوجه استعداد فراوان او شده بود و به لطف همین استعداد بود که او نه تنها در مسابقه قهرمان شد، بلکه رکورد مدرسه‌های اصفهان را هم شکست. از این لحظه بود که زندگی ورزشی او تغییر کرد و او وارد دنیای دوومیدانی شد.



### یک لژیونر در دوومیدانی ایران

از عبارت «لژیونر» برای ورزشکارانی استفاده می‌شود که در بیرون از کشور خود مشغول فعالیت هستند. معمولاً این عبارت را دربارهٔ فوتبالیست‌ها می‌شنویم. اما فرزانه هم این فرصت را کسب کرد که در لیگ دوومیدانی کشور صربستان مسابقه بدهد. او با پوشش اسلامی در تیم «پارتیزان بلگراد» موفق شد دو بار دیگر رکورد ایران را بهبود بخشد و به نام خود ثبت کند. اگر می‌خواهید متوجه سختی کار او شوید، یک بار مسافت ۶۰ متر را بدوید. ببینید چقدر با رکورد ۷/۲۹ ثانیهٔ سال قبل فصیحی در مسابقه‌های استانبول (ترکیه) فاصله دارید!

### سختی‌های کار

برای رسیدن به‌عنوان قهرمانی باید تمرین را در هیچ شرایطی ترک نکرد و صبور بود. فصیحی دربارهٔ محل تمریناتش می‌گوید: «زمانی که در ورزشگاه انقلاب اصفهان تمرین می‌کردم، ناچار بودم در فصل‌های سرد سال، آلودگی هوا و سرما را تحمل کنم؛ زیرا این ورزشگاه پیست سرپوشیده برای تمرین نداشت و در فصل‌های سرد هم هوا به شدت آلوده می‌شد.»

از طرف دیگر، داشتن رقیب قدرتمند می‌تواند باعث رشد و پیشرفت هر ورزشکاری شود. فرزانه اکنون در ایران رقیب ندارد و همین موضوع باعث می‌شود که او کار دشواری برای شکستن رکوردهای خود داشته باشد. اگر روزی در ورزش یا هر کاری، رقیبی سرسخت داشتید که از شما قوی‌تر بود، خدا را شکر کنید؛ زیرا رقابت می‌تواند باعث پیشرفت هر دوی شما شود!

### شرکت در المپیک

برای فصیحی هم حضور در المپیک بزرگ‌ترین رؤیای زندگی ورزشی است؛ البته رؤیایی که دستیابی به آن چندان هم آسان نیست: «باید واقع‌بین بود. کسب سهمیهٔ حضور در بازی‌های المپیک بسیار دشوار است، مخصوصاً به این دلیل که برای هر دورهٔ المپیک، رکوردهای ورودی بازی‌ها را کمتر می‌کنند. به این ترتیب، فقط دوندگانی می‌توانند در این رقابت‌ها شرکت کنند که به این رکوردها دست یافته باشند. به هر حال این رؤیا قابل دستیابی است و دختران ایرانی می‌توانند به آن دست پیدا کنند.»

### در تابستان سال ۱۳۹۹ که فصیحی

در باشگاه پاس تهران تمرین می‌کرد، دوندگانی که از نزدیک شاهد تمرین‌ها و سرعت گرفتن او بودند، به او لقب «میگ‌میگ» دادند که اشاره‌ای است به یک شخصیت پویانمایی (کارتونی)؛ اما به خاطر سرعت و رکوردهای فرزانه، از او با عبارت «دختر باد» یاد می‌شود. ببینیم خودیش دربارهٔ این لقب چه احساسی دارد؟ او می‌گوید: «قبلاً به لیلا ابراهیمی (قهرمان دوهای استقامت دختران ایران) هم دختر باد می‌گفتند و حالا این لقب را به من داده‌اند. حتی گروهی به من غزال تیزپا گفته‌اند، اما من فرزانه فصیحی هستم. هر جا که بروم و در هر جای مسابقه بدهم، این نام من است و به همین خاطر، لقب‌ها برای من مهم نیستند.»

